



ISSN Print: 2394-7500
ISSN Online: 2394-5869
Impact Factor: 5.2
IJAR 2019; 5(9): 301-308
www.allresearchjournal.com
Received: 09-07-2019
Accepted: 13-08-2019

عادلہ حمیدی آذین

Assistant Professor, Parwan
University, Faculty of
Language and Literature,
Charikar, Afghanistan

دیدگاه اجتماعی بیدل

عادلہ حمیدی آذین

چکیده

در این مقاله، کوشش بر آن شده است تا دیدگاه اجتماعی بیدل را، که از جمله شاعران برجسته سبک هندی است مورد بررسی قرار دهد. برای این هدف، ابیاتی از دیوان شاعر، که به این تعالیم متحلی است، استخراج و آن گاه به تحلیل و توضیح هر یک مبادرت شده است. بدون شک انجام چنین پژوهشی، نشان می دهد که در مورد این شاعر سبک هندی و دیدگاه های، سیاسی و عرفانی شاعر نامبرده تحقیقات صورت گرفته است مگر به نظرنگارنده در مورد دیدگاه اجتماعی بیدل تحقیقات صورت نگرفته است مسائل مهم که در صد بررسی آنهاست. خاطر نشان می شود، آموزه های مورد نظر، ممکن است در اشعار بسیاری از شاعران یافت شوند؛ اما آنچه نگارنده را بر آن داشت تا به طرح چنین موضوعی در شعر بیدل مبادرت نماید، نشان دادن این امر است که دیوان بیدل در نهایت ظرافت سرشار از آموزه های بلند اجتماعی است. علاوه بر آن، در تحقیق پیش رو تلاش می شود، تا تسلط و توجه ویژه شاعر بر آن آموزه ها، به اثبات برسد؛ آموزه هایی که علاوه بر آراستگی ادبی، سبب تقویت و استحکام اشعاری شده که شاعر با بهره گیری از قرآن کریم و استناد به تعالیم ارزشمند اجتماعی، غرض خوداری در تایید دیدگاه هایش به انجام رسانده است. بدین مناسبت، پرداختن به چنین مفاهیمی از اولویت والایی برخوردار است.

واژه های کلیدی: بیدل، اجتماع، انسان، کشاورزان.

مقدمه

معلوم است که در تشکیل و انکشاف شخصیت ها دو اصل بسیار مهم است یکی آن استعداد و طبیعت است و دیگری ان هم عبارت از محیط و تربیت است، از عوامل بسیار مهمی به شمار می رود شخصیت که اکنون ما در باره دیدگاه اجتماعی آن صحبت می کنیم ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل است که این شخص درحقیقت یک حلقه عمده پیوند کشور ما با هند است و در اواسط قرن هفدهم زمانی که شاه جهان مالک تخت طاوس درهند حکمروایی داشت درعظم آباد (پتنه) در خانواده ای از مردمان مهاجرکه از طریق افغانستان به هند مسافرت کرده بودند پا به عرصه وجود گذاشت و جایی که در آن این طفل با استعداد متولد شده بود ورجوار «نه لندا» مرکز معروف تعلیمات بودایی در قرون

Correspondence

عادلہ حمیدی آذین

Assistant Professor, Parwan
University, Faculty of
Language and Literature,
Charikar, Afghanistan

هنرمندان و هم چنان جهالت و فریبگری های روحانیون متقلب، بیدل را به خشم هیجان آورد . بیدل، انحطاط و زوال امپراتوری مغولی بابری ها را به چشم خود دید، او برای در یافت و شناخت علل اساسی مصیبت‌ها و نارسایی‌های که بر سر وطنش آمده بود، به اندیشه و تفکر پرداخت در آثار گوناگون بیدل افکار و نظریات ویژه و ارزشمندی در مورد رهایی شان از نزاع های مذهبی و ملی، رشد و انکشاف کشاورزی، صنعت، دانش و فرهنگ وجود دارد .

بیدل در مورد اهمیت مبارزه و عمل مشترک و یک پارچه مردمان هند علیه تجاوز و یورش مهاجمین خارجی، با تشبیهات و مثال‌های جالب افکار عالی و خوبی بیان می کند . یاران به وفاق اگر قدم می شکنند جیش عرف وصف عج می شکنند از قدرت اتفاق غافل نشوی دندان‌ها سنگ را به هم می شکنند بیدل، فکر و غایه‌های خود را با احتیاط و به وسیله اشارات ظریف و استعاره‌های بیان می کند لیکن از این فرا تر نمی رود و در مبارزه عملی توده‌ها جباران و ستمگران در ایجاد زندگی بهتر سهم مستقیم نمی گیرد . باید گفت که نگرش‌های بیدل مانند یک تماشاگر عادی است . البته این قصور از بیدل نی، بلکه تاثیر شرایط فیودالی سده هفدهم و هیجدهم جامعه هندوستان است . مهمترین چیز در اندیشه و آثار بیدل آن است که او در روزگار خود شاهان و حکام ظالم و ستمگر را ماهرانه انتقاد نموده و اعمال آن‌ها را به نکوهش گرفته است .

شاعر فیلسوف به همه مسایل زندگی اجتماعی علاقه و توجه نشان داد بیدل در مورد انسان، جامعه و کشاورزی مطالب زیادی نوشت او در مورد دهقانان با احترام و حرمت زیاد نوشت و با شیوه مخصوص به خود چگونگی پیدایی بیداد ستمگران و دولت را نشان داد بخشهای قابل ملاحظه (عرفانی) بیدل به همین مسایل اختصاص یافته است. در آثار بیدل مسایل مربوط به انسان هستی و زندگی جای مهم دارد . این مسایل و توضیح آنها با جهان نگری (وحدت - موجود) او پیوند محکم و استوار دارد بیدل گفته بود :

وسطی ونیز در مجاورت «جونپور» که در عصر شاه جهان بحیث یک مرکز بزرگ فرهنگی شهرت داشت، واقع بود با در نظر گرفتن این حقایق پتنه از وسایل و انکشافات فرهنگی زمان خود متمتع بود و ازین جهت محیطی که بیدل در آن چشم به جهان گشود برای انکشاف و تنمیه استعداد های روز افزون او مساعدت می کرد که محیط فرهنگی و دیدگاه اجتماعی بیدل در آن شکل گیرد و هم چنان خراسان و هند را با هم پیوند دهد چنانچه در همه آثار او این حقیقت هویدا است . بیدل پیش ازینکه بیست و شش ساله شود در دارالسلطنه دهلی بحضور اشخاص عالی رتبه رفته بود و مورد تکریم و احترام ایشان قرار گرفت . از باعث سجایای عالی و جاذبه شخصی بیدل این بود که خانه وی در دهلی مرجع خاص و عام قرار داشت . احساسات بشر دوستیش برای همگان هویدا بود . از تعصب بر کنار و دارای طبع کریم و افق نگاهش وسیع و دیدگاه اجتماعی خیلی وسیع در عصر خویش داشت بیدل در مورد اجتماع اشعار بسیار زیبا با نازک خیالی، ابتکار فکر، زیبایی اسلوب، حسن تعلیل، تازگی و لطافت بیان کرده بود البته موضوعات اجتماعی از قبیل علم، کشاورزی، دهقانان، عرف، عنعنات، عقاید مردم درباره دوزخ و جنت و غیره این همه مسایل است در دیدگاه اجتماعی بیدل وجود داشت تمام شاعران روزگار بیدل در مورد این موضوعات ابراز نظر نموده بودند ولی به عقیده من فرق بین ایشان و بیدل در این است که بیدل با (غرب *Active* ایدیالیزم «فعال» یا) شباهت بیشتری نشان می داد .

بیا تادی کنیم امروز فردای قیامت را که چشم خیره بینان تنگ دید آغوش رحمت را

دیدگاه اجتماعی بیدل

میرزا عبدالقادر بیدل به مسایل اجتماعی و سیاسی توجه زیادی داشت و به آن اهمیت فراوان قایل بود . او در پی دریافتن راه حل و چاره حقیقی نارسایی ها و پلشتی های جامعه بر آمده و به ایجاد شرایط خوب کار نموده . تعصبات ملی و دینی که امپراتوری بزرگ مغولها در قلمرو شان گسترش داده بودند و نیز ظلم و شکنجه بیرحمانه نظامیان فیودال زاده و عمال دولت بر دهقانان و

آنها را از اعمال که باعث خرابی وضع دهقانان و کشاورزان فرا خوانده آنها را از اعمال که باعث خرابی وضع دهقانان و کشاورزی می شد به حذر می داشت . او در حقیقت به اینگونه می خواست به مردم وطنش خدمت کند . از نظر بیدل کشاورزی سبب ایجاد زنده گی مسکون مردم شده است و در این مورد چنین می نویسد :

ذوق تحصیل راحت جاوید خوشه می بست دانه امید تاز افراد تخم انسانی دسته شد ریشه پریشانی این اشعار داری معنی ومفهوم ژرف اند . از نظر بیدل ، انسان های نخست به گونه پراکنده زیسته وبه شکل کوچی گری زندگی به سر می برند . پسانتر در نتیجه آشنایی واشتغال با کشاورزی ، گردهم فراهم آمده ومناسبت نوینی میان خود پیدا نمودند . بدین ترتیب آنها در یکجا مسکن گزین شده وبا زندگی نو و شرایط نو آشنا گردیدند .

بعد بیدل چگونگی پیدایی گروه های مختلف اجتماعی را تصویر نموده در این زمینه نیز مطالب جالبی را بیان می کند .

بیدل می گوید که ، کشاورزی شرایط رشد نفوس جامعه را تامین می کند . از همین سبب انسانها به خاطر فراهم ساختن خوراکی درنقاط سرزمین های مختلف جابه جا شده گروهی در کنار ایجاد رفته در پی جستجو و دریافت چیزهای گرانبها افتیده اند ، شماری هم به کوهسار بر آمده اند وبرخی هم از راه های غیر مستقیم آذوقه وخوراک فراچنگ آورده اند . آنها در بدل آذوقیات از دهقانان غله وخوراک گرفته ، از همین راه تقسیم مال وخرید وفروخت و سوداگری پیدا شده است

بیدل ، در این زمینه باز هم بیان نظر خودرا ادامه داده وتاکید می کند که ، یکی از نقاط ضعیف اشخاص به دست آوردن خوراک بدون کار وزحمتکشی است . اینگونه اشخاص فقط از راه التماس ، دعا وغیره به کسب روزی وارتزاق می پردازند کاهنان ، گدایان ، فقیران وغیره از میان همین گروه اشخاص پیدا شده اند .

به این ترتیب بیدل نتیجه می گیرد که اشخاص گونه گون جاهل و بد و نیز سخی ونیک مهمان دهقان شده بای های از غله خرمن خوراک خودرا تامین

می شود ساز نسخه (عرفان) قصه یی از توجه انسان کاین فسونگر چه سحر می بارد وین قیامت چه فتنه می کارد بیدل در رباعیات خود وظیفه خود را هر چه گسترده تر بیان می کند :

آینه مقابل دو عالم کردم کامروز نظر به شکل آدم کردم در اینجا بیدل بیان می کند که ، هدف از سخن او در مورد انسان ، بیان فضایل ومعایبش آموزش خوبیها و از میان بردن کمبودی هایش است . نشان دادن این نکته هم لازم است که بیدل انسانها را نه تنها از نقطه نظر وابستگیهای ملی یا دینی شان، بلکه از لحاظ مفهوم کلی انسان بودن شان می نگرد . انسان را بدون در نظر داشت معتقدات ملی و دینیش، از لحاظ شایسته گیها انسانیش احترام وحرمت می کند .

شاعر فیلسوف افسانه سجده نکرده شیطان را به آدم یاد آور شده می گوید :

یعنی آنکس که حضرت انسان هارا مسجود تصور نکند ملعون است شاعر در اینجا به انسانیت وآدمهای محبت صمیمانه وانسان پرورانه خود را افاده می کند بیدل با این ویژه گی هایش فرزند راستین وطن خود بود هندوستان را دوست داشت ونوای وطندوستی وطن پروری را زمزمه می کرد . بیدل نظر به تنفر آمیز را به دیگران ونیز بیکار، دروغگویی، نخوت، خست، مکر وخیانت را انتقاد ونکوهش نموده ، فروتنی، سخاوت، راستگویی وفاداری، دانش وزحمتکشی را می ستود .

بیدل : در باره اینگونه مسایل اشعار جالب وخوبی دارد :

با بد گویان آشنا مکن تا زنیکان بیگانه گی نگزینی با قفای آینه متوجه مباش تاهیت خود را قطب نبینی از روزگاران خیلی پیش از مشغولیت های مهم واساسی مردم بوده است ، دوم اینکه در سده های (17-18 میلادی) وضع کشاورزی و کشاورزان هندوستان در نتیجه جنگهای دوامدار فیودالان خیلی خراب بود ودر سیستم کشاورزی زیان های آسیب های زیادی می رساند . بیدل ، در مورد کشاورزی به مثابه مهمترین مشغولیت وکار تولیدی مردم سخن زده ، حکام و امرارا در رشد انکشاف امور کشاورزی فرا خوانده

نموده اند. بیدل پیدایی گروه‌های مختلف جامعه را به همین گونه نشان می‌دهد.

میرزا عبدالقادر بیدل را در اینجا تحسین نموده و این را لازم یاد کردن میدانیم که او به مساله چگونه گی پیدایی گروه‌های مختلف اجتماعی نزدیک شده و در این مورد نظریات خوبی ارائه داده است. ولی نتوانسته است علل و عوامل بنیادین پیدایی و ظهور طبقات را در جامعه به گونه علمی و اساسی بفهمد. او در مورد چگونه گی پیدایی و وسایل تولید رشد بازده کار و نیز پیدایی مالکیت شخصی بر وسایل تولید نیندیشده است در هنگام بیان پیدایی گروه‌های اجتماعی و تقسیم آنها به طبقات بر خی صفات مانند غرض ورزی بیان پیدایی گروه‌های اجتماعی و تقسیم آنها به طبقات برخی صفات مانند غرض ورزی، خست، ناهنجاری‌های و غیره را به مثابه عوامل و علل اصلی ذکر می‌کند. علت اصلی اینگونه اندیشیدن بیدل ایدالیزم ضد تاریخی اوست.

بیدل دهقانان را می‌ستاید که با وجود تحمل مشکلات و دشواری‌های فراوان به جامعه آذوقه و غله تولید می‌کند باید گفت که در نظر او در میان همه گروه‌های اجتماعی فقط دهقان ایجاد کننده‌گان حقیقی نعمات به شمار می‌آیند. از همین سبب، بیدل دهقانان را به ستایش می‌گیرد و ترغیب می‌کند.

بیدل می‌داند که بخش‌های بیشتر ینه اهالی هندوستان را دهقانان تشکیل می‌دهند و از وضع دشواری و خراب زندگی آنها نیز به خوبی آگاهی داشت. شاعر را ه کمک به دهقانان و بهسازی وضع زندگی شان راجستجو می‌نمود ولی بنابر پسماندگی فیودالیزم شرق به در یافت علل و راه‌های بنیادی بهسازی زندگی مردم موفق نگردید و نمی‌توانست هم در یابد بیدل، حرص و آز ثروتمندان جامعه اش را بیان نموده آنها را به حشرات زیان آور کشاورزی همانند می‌سازد. پیدایی این گروه مفتخوار و مضر به هجوم ملخ در کشتزار مانند بود، آنان خرمن‌های دهقانان را بسان مورها فرا گرفته و برای خود دهقانان مقدار اندکی باقی می‌گذاشتند. بدین ترتیب دهقانان که زیر اثر این گروه فریبگر و مفتخوار قرار داشتند، مجبور به فراهم ساختن و پرداختن باج

و مالیات به آنها گردیدند. این کار از سوی سبب افزایش بیچارگی و فقر دهقانان، مالیات به آنها گردیدند. اینکار از سوی سبب افزایش بیچارگی و فقر دهقانان، و باعث افزایش و تراکم دارایی گروه‌های مفتخوار جامعه شده، از سوی دیگر مبارزات و تضادهای درونی آنها را نیرومند ساخت. بیدل، خواست تا علل به میان آمدن دولت را به وسیله همین گونه دلایل تصویر کند.

از دیدگاه او نخست دولت‌های کوچک ثروتمندان حریص و مغرض پیدا شده اند بیدل ادامه بیان اندیشه هایش می‌نویسد که این گروه به تدریج عده یی را به دور خود فراهم کرد بیدل در اینجا نیز فکر عاقلانه یی بیان می‌کند: او اشخاص سخی و خوش قلب با به آیینه نورو اشخاص مکار را به پشت آیینه یعنی به تاریکی مانند می‌سازد

بیدل دو رویی را نکوهش نموده چنین تاکید می‌کند:

اگر طبیعت کسی را مایل نفاق در یابی به یقین شناسی که صحبت اکابر در نیافتی این سخنان درست و حقانی ناشی از تجارب چندین ساله شاعر است. او نه تنها دورویی بلکه حتی تمایل به دورویی را هم نکوهش می‌کند باید گفت که بیدل در مورد فضایل و نارسایی‌های انسان به گونه عام سخن می‌زند و افکار خود را بیان می‌کند او آنها را با ویژه گی‌های تاریخی جامعه زندگی اجتماعی، مبارزات و منافع مشخص طبقات اجتماعی پیوند نمی‌دهد او نظر به شرایط تاریخی ماهیت انسان و مناسبت‌های اجتماعی او را نتوانست آنگونه که بایسته است، درک کند این مساله یکی از نواقص مهم تعلیمات بیدل به شمار می‌آید.

بیدل در اثر عرفانی خود چگونه پیدایی کشاورزی، کشاورزان هنر و هنرمندان را جداگانه به تحلیل می‌گیرد. ما چنین می‌اندیشیم که بیدل در تحلیل چگونگی ماهیت و پیدایی دولت نسبت به فیلسوف سده هفدهم انگلیسی به حقیقت نزدیکتر قرار گرفته است.

بیدل در مورد پیدایی کشاورزی فکر خود را بیان نموده، چنین نوشته بود:

هر که چشمی در این چمن واکرد تا مژه واکند دهن واکرده

بار آسان است نه برداشتن آن (زریب، 1392ص63-64)

زمین گیرم به افسون دل ب مدعا
بیدل در آن وادی که منزل نیز می
افتد به راه آنجا
به همه معلوم است که در جهان همه
تپیدن ها وجان کنی ها در اثر خواهش
های دل است وهر گاه دلی پیدا شود
که از خواهش خالی باشد بدیهی است
که فارغ می نشیند و زمین گیر به
معنی افسرده و تنبل است پی معنی این
است که حضرت میرزا خطاب به خود می
گوید : ای بیدل من به افسون دل بی
مدعا در مقامی زمین گیرم که خود
منزل یعنی جهان نیز در حرکت است
و آنچه در بین زمین و آسمان است به
طریق اولی در حرکت اند
دنیا اگر دهند نخیزم ز جای خویش من
بسته ام حنای قناعت به پای خویش
فیض حلاوت از دل بی کبر و کین طلب
زنبور را زخانه بر آر، انگبین طلب
یعنی بیدل می گوید : در زندگانی اگر
آرامی و آسایش می طلبی دلت را از
کبر کینه فارغ داشته باش زیرا تا
زنبور را از خانه اش بیرون نکنی ،
شهد به دست نمی آید .
بی پرده است حسن غنا در لباس فقر
دست رسا زکوتی آستین طلب
یعنی در اصل صاحب غنا مردم فقیر
است که گفته اند «الغنا غنا القلب
»بی نیازی ، بی نیازی دل است و چه
اگر دل از قناعت بی نیاز نباشد،
ثروت مادی کسی را بی نیاز ساخته
نمی تواند، زیرا هر قدر ثروت پیدا
کند باز هم چشمش گرسنه بوده همچو
گدایان از تلاش نمی ماند، زیرا غنا
آن است که از شخص تلاش و تپش گم شود
دل جمع کن زبام و در عافیت فسون
آسودگی زخانه به دوشان زین طلب
مقصد این که در فکر خانه و جای مباح
به خیال این که عافیت در این خواهد
بود، زیرا هر قدر علاقه به اسباب
دنیوی زیاد شود همین قدر عافیت از
بین می رود، و آسودگی در آن است که
در دنیا خود را مسافر و یا رهگذر
بدانی و خانه به دوش باشی، آن هم
خانه به دوش زین . زیرا کسی که به
خانه زین می نشیند و دم به دم در
قطع کردن راه است دید گاه بیدل در
باره علم بیدل با ستایش همه مشاغل،
پیشه کردن علم و دانش را بهترین عمل
و شغل می داند :
گرچه هر پیشه سحر پردازی ست پیشه
علم و فضل اعجازی سست

باید گفت که، از نگاه بیدل انسان
در گام نخست به غذا نیاز دارد. از
اینجا بیدل چنین نتیجه می گیرد که
احتیاج انسان را وادار به گزیدن
شغل کرده است . (مجله خراسان سال
ششم - شماره پنجم قوس - جدی) 1365
چنانچه در چهار عنصر و روایات شاد
روان استاد خلیل الله خلیلی در فیض
قدسیداستان ازدواج بیدل
و شمول وی در مسلک عسکری پس از آنکه
بیدل را بار دوم با شاه کابلی
اتفاق ملاقات دست داده و از خدمت وی
محروم شد، دو سال در آتش جدایی وی
می سوخت و در بیخودی بسر می برد،
هجوم آشنایان بیگنا مشرب نیز وی را
از رنج میداد و حریم خلوتش را اخلال
می نمود . پس بر آن شد که دیوانه
وار سرش را به سنگ زند و از بد
زمانه به آبگینه حصار تاهل پناه
برد و گرفتار را مایه آزدی شمرد به
قول خودش اینجا اعلاج دلیل بیشتر
و انمود بود و مرهم ناسور اختیار داغ
فرمودن . خاصه طبع بشر نیست که از
آتش به آب گریزد و از آب به آتش
آویزد . خلاصه بیدل متاهل شد
چون بیدل متاهل شد و معنی تجرد به
عبارت تعلق تبدیل گردید و گرفتار
پای بند عیال شد و در غم نان و جامه
وقوت افتاد در اندیشه چاره کسب
معاش فرو رفت هیچ حرفه را مناسب حا
ل خود ندید ناچار متتبع سنت آبایی
شده و به آیین پدران خویش به طریقه
سپا گروید و در مسلک عسکر داخل شد
بیدل را پندار چنان است که در جهان
عسکری سالوس وریا را ندارد و می
تواند انسان به سایه تیغ و سنان از
غرور وریا مامون باشد زیرا آثار
سجود در این معبد سر را وقف شمشیر
نموده است و علایم سبجه شماری آن
قطرات خون خویش را ریختن هر که در
این حصار می درآید از سنگباران
شهرت ایمن است و خود را بدم تیغ
و خنجر فرسودن مامون تر است از اسیر
شکنجه تزویر بودن . بیدل می گوید
: در این ایام گاهی می پنداشتم که
از اسیران سلسله تعلقم و این تعلق
جز وهمی بیشتر نبود و گاهی تصور می
نمودم که از مقیدان سلسله اسبابم
و این اسباب جز آنکه مایه قید و بست
من شود ذخیره دیگر نداشت تا آنکه
ملتفت شده است که فقر همیشه او را
میسر است . فراهم آوردن اشیا داغ می
خواهد ونه وا گذاشتن از دوش افگندن

حیف انسان که با چنین جوهر سر کند
 غیر علم راه دگر
 گر یقین و گر گمان علم است هر طرف
 راهبر همان علم است (عرفان ص 272)
 دانش ارزش ذاتی دارد و هر کجا و نزد
 هر کس باشد باید قدر شود همان گونه
 که اسلامی می گوید «اطلبوا العلم
 ولو بالصین» دانش را فرا گیرید هر
 چند در کشور چین باشد یا فرمود
 :«خذوا الحکمه ولو من المشرک»
 دانش را برگیرید گر چند از مشرک
 باشد. بیدل قصر دانش و آگهی را
 دروازه بهشت و رحمت الهی می داند که
 به روی همگان باز است :
 باید توجه داشت که علم را بر دو
 گونه تقسیم کرده اند : حصولی و حضوری
 . علم حضوری علمی است که فرد آن را
 بدون واسطه دیگران و بدون استدلال
 و صغری و کبری کردن تجربه می کند،
 همانند چشیدن و درک حضوری درد یا
 عشق که فرد آن را چون درک کرده می
 شناسد، اما نمی تواند با استدلال
 اثبات کند و اما علم حصولی که
 کانونش ذهن آدمی است نه از سر شهود
 بلکه از سر مطالعه و استدلال حاصل می
 شود . بیدل علم حصولی را در مقابل
 حضوری و شهودی ناچیز می داند و بنا
 کردن ایده ها و جهان بینی ها را بر
 پایه متون گذشته و به جا مانده از
 دیگران نکوهش کرده و به ملحقات نسخ
 قدیمی تشبیه می کند
 بیدل چگونگی مشغولیت انسان را با
 کشاورزی به تفصیل بیان نمی کند . او
 این مساله را تا آخر بررسی و تحلیل
 نکرد و نمی توانست بکند در روزگار
 بیدل در زمینه علم و دانش در مودر
 نظام ابتدایی به اندازه کافی
 معلومات وجود نداشت .

دید گاه بیدل در مورد فراسوی نیک و بد در زندگی اجتماعی .

انسان ها از کودکی در ضمیر نا خود
 آگاه خویش، جانبداری خواهش های
 خویش است . اگر رهنمود های ادیان،
 مکاتب و قانون نمی بود، این امیال
 به صورت لجام گسیخته زندگی اجتماعی
 را مختل می کرد . یکی از خصوصیات
 آدمی متابعت از امیال نهفته است که
 گاهی رنگ توجیه به خود می گیرد و بر
 همین اساس گفته اند : «انسان حیوانی
 است توجیه گر» یا نیچه می گوید
 «انسان تنها ی چیز هایی را می شنود
 که بدان نیاز دارد» بر اساس این
 بینش خیلی از قضاوت و خوب و بد

کردن های آدمی ناشی از ضمیر نا خود
 آگاه و تمایلات اندرونی اوست که رنگ
 منطق و عقلانیت بر آن افتاده و آدمی
 را وادار به داوری و نیک و بد
 پنداشتن می کند . اکثر انسان ها را
 دو قطبی اندیشند، یا افراد و اشیاء
 را خوب مطلق می بینند و یا بد مطلق
 این حالت باعث تولید حب و بغض در
 فرد شده و آدمی را از دیدن شؤن
 حقیقی بیگانه می کند و همین جاست که
 نزاعها خلق می شود و همین نگاه
 در جامعه باعث تولید دیکتاتوری
 سیاسی و جامعه می شود .
 اگر در اندیشه نیچه، جان هر سالکی
 ابتدا شتر است که بار ارزشهای
 دیگران را به دوش می کشد، بعد شیر
 می شود که ارزشهای دیگران را نقد
 می کند و سپس کودک می گردد که بدون
 سود محوری و محاسبه گری نفسانی، به
 آفرینش ارزشهای جدید اقدام می کند
 «آنچه از سر عشق رخ می دهد، فراسوی
 نیک و بد انجام می گیرد» در نگاه
 بیدل نیز آدمی می تواند استعلا یابد
 و از سعد و نحس در گذرد : (حسینی فطرت
 ، --129- 128

از عالم اضداد بگذری بیدل بهشت هم
 به مقابل جهنمی دارد
 قضاوت و داوری های عجولانه، خیده شدن
 در خطا و عیوب دیگران، انسان را از
 اصلاح حال خویش و توجه به درون غافل
 می کند . خیره شدن در عیوب دیگران،
 غالبا غافل شدن از عیوب خویش برای
 فرد به وجود آورده بهشت خود آگاهی
 را تبدیل به جهنم دگرستیزی می کند
 که در قرآن کریم از آن ب «تخاصم
 اهل النار» (سوره ص 64) تعبیر شده
 بیدل در ای باره می گوید :
 بر خود از غفلت بهشتی را جهنم کرده
 ایم گر دل از شرم معاصی آب گردد
 کوثر است (همان ص 129)

دنیا و اجتماع از نظر بیدل

دنیا برای بیدل وهم و خیال بی معنی
 نیست، خدای متعال این عالم را
 آفریده و بنا بر این عالم نمی تواند
 چیزی باطل باشد : «ربنا ما خلقت
 هذا باطلا» و به قول بیدل «باطل از
 باطل بروید حق زحق» پس این دنیا حق
 است نه به معنی این که دنیا خداست
 بلکه به معنی این که دنیا حقیقتی
 دارد و باطل نیست . اما می توان گفت
 که بیدل در باره حقیقت اشیاء ظاهر
 افکار خیلی شبیه آن فیلسوف مشهور
 کانت دارد که بدون «علم» یعنی بدون

فعالیت دریا بنده یک شخصیت، اشیاء ظاهری هیچ ترتیبی ندارد نزد اهل حقیقت و ایجاد هیچ چیزی به غیر علم نژاد هر چه بینی زمفرد و ترکیب دارد از علم گوهر ترتیب (مجددی سال 1392ص 95)

دیدگاه بیدل در باره عقاید مردم

در محیط اعظم مشتمل به تاریخ روحانی دنیا است تذکر داده یکی از حکایت پر معنی که در آن مثنوی موجود است برای فهمیدن عقاید مردم بسیار مهم است حکایت چنین است که مهاراج که سوار اسب چوبی شده از چشم همه در باریان ناپدید می گردد. مهاراج به یک مملکت دور می رسد و آنجا با یک دختر سندی ازدواج می نماید و در ده سال، ده نفر فرزند نصیب وی می شود. بعد از ده سال، در نتیجه قحطی سختی در شرف مردن از گرسنگی، مهاراج تصمیم می گیرد خود را به آتش انداخته خود کشتی کند ولی به محض این که وی داخل شعله های آتش می گردد خود را در دربار خود می بیند و متوجه می شود که ده سالی که گذشت بیش از یک ثانیه نبود است. مهاراج از تجربه خود عجیب خودش با هیچ کسی حرف نمی زد، ولی دلش خیلی می خواست که مملکتی را که در آن مدت ده سال زندگی کرده است دوباره زیارت کند، باز روانه می شود این دفعه بدون اسب چوبی بلکه با وسایل عادی حمل و نقل و آن جا هارا در حقیقت نیز می بیند و یقین دارد که آن ده سال فوق العاده مهم است و شباهت عجیبی با فلسفه ایدئالیست جدید اروپا دارد ایجاد فکر یا به عبارت بیدل «دل» نه فقط حقیقتی است بلکه آن است یگانه حقیقتی که می توانیم ادراک کنیم بیدل با آنکه شاعر متصوف بود ولی دیدگاه بیدل در اجتماع که زندگی می کرد با دگر متصوفین فرق داشت بیدل دنیا را با اهمیت و با ارزش می گفت ولی دیگر متصوفین دنیا را بی ارزش بی اهمیت می دانستند (همان)

دیدگاه بیدل در مورد دوزخ و جنت

برای بیدل گذشته و حال و مستقبل نسبی است بلکه به گفته بهتر «زمان» بسته به «حال» انسان است نه دی گذشت نه فردا به پیش می آید تجدد من و ما تا قیامت آغازی ست

به نظر بیدل کسانی که بهشت و دوزخ را زمان مستقبل می بینند، اشتبا می کنند.

درهای فردوس و بود امروز از بی دماغی گفتیم فردا به گفته بیدل روز قیامت یک اتفاق تاریخی واقع در مستقبل نیست: ای مرد انتظار محشر بودن حیف است به هر فسانه ات خون خوردن در صورت آفاق نظر کن کاین جا هر روز قیامت است، هر شب مردن «در صورت آفاق نظر کن» حرف خیلی جالب است. بالاخره بعد از قرن ها که متفکرین متریقی به «عالم انفس» جلب توجه نمودند، شخصیتی می آید که ما را به آفاق و مطالعه آفاق تشویق می نماید آفاق و عالم مادی و ما باطل نیستیم:

عقبی ای را که ما زمان و مکانی می دانیم، حقیقی نیست: آن را که تو عقبی شماری عقبی نیست یعنی جای تقرب مولا نیست وصف جنت شنیده ای عبرت گیر هر جار زر و گوهر ست جز دنیا نیست پس بهشت جایی مکانی نیست، بلکه حالی است که در این دنیا نیز می توان به آن رسید.

البته بعضی از متصوفین دیگر در این مورد نیز ابراز نظر کرده اند مگر نظر بیدل با آن ها فرق دارد زیرا دیدگاه بیدل در اجتماعی که زندگی می کرد بیشتر به ایدئالیزم «فعال» (غرب شباهت بیشتری نشان می Active) دهد

از نظر بیدل روایات و خرفاتی که بعد از دوره اول تاریخ، آنها در تمام دیانت ها رواج پیدا کردند، جز افسانه نیست و هر: «هر کجا افسانه باشد، هیچ کی بیدار نیست»، انسان ها افسانه های مذهبی را ایجاد کرده و اشتبا فکر می کنند که هما افسانه هایی که در جاهای وهمی صورت می گیرد حقیقت است بنا بر این مردگان نیز بعد از مرگ به جای دیگر یا به دنیا می دیگر نمی روند. دنیایی که ما آن را می بینیم و می شناسیم، یگانه دنیای مکانی و زمانی است. (همان)

نتیجه گیری

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی از شاعران نازک اندیش و نازک خیال شبه قاره هند و گسترده ی زبان و ادب فارسی است. غزلیات او سرشار از دقایق اشارات عرفانی و اجتماعی است

که در کمترین لفظ و بیشترین معنی
و مفهوم بیان می گردد بیدل مانند
همه متفکرین پیشرو مترقی خاور زمین
در جستجوی راه های خوشبختی مردم
بود. نظریات اجتماعی بیدل دارای
اهمیت علمی و تاریخی معین است.
نظریات بیدل نه تنها از لحاظ چگونه
گی پیدایی انسان، کشاورزی و طبقات،
بلند از نگاه پیدایی دولت و ماهیت
حاکمیت دولت با تیوری های دینی در
تضاد است چنانچه می دانیم،
تیوری های دینی برای پیدایی و ماهیت
ادیان، دولت و طبقات خصوصیت الهی می
دهند. بیدل به گونه آشکار نادرستی
اینگونه نظریات را اظهار داشت، ولی
نظریات خود را به گونه پوشیده بیان
کرد تعلیمات بیدل در مورد پیدایی
کشاورزی، بوده و در مورد جامعه
و مسایل مربوط آن دارای طبقات و دولت
حاوی ایده جالب و ارزنده ماهیت
ایدآلستی است کمبود ها و نارسایی
هایکه در همه نظریات اجتماعی دوران
مارکس وجود داشت در نظریات بیدل
نیز دیده می شود بیدل از جمله
شاعران بود که مناسبات اجتماعی را
به گونه عینی درک می کرد بیدل نقش
کارگر و زحمتکش را به گونه روشن
و درست نشان می دهد او هر یک از هنر
ها را دارای ویژه گی و فضیلت خاص
دانسته، حقیر شمردن هر یک از کسب
و هنر زنده گی را نادرست می گفت در
نتیجه گفته می توانیم که بیدل از
جمله شاعران نام آور سرزمین
هندوستان بود که نه تنها در کشور
هند بلکه علاقمندان خود را در
کشورهای دیگر نیز داشت

منابع

- 1- انصاری، میرمحمد آصف، (1251)، احوال
و آثار میرزا عبدالقادر بیدل
، انتشارات، کابل
- 2- زریر، تاج محمد، (1392)، بیدل شناسی
، کابل انتشارات، نویسا
- 3- فطرت، سید محمد، (1392)، جهان بیدل
، تهران، موسسه انتشارات عرفان
- 4- مجددی، غلام محمد، (1392)، بیدل
شناسی، کابل، انتشارات امیری
- 5- پاک فر، محمد سرور، (1365)، سی
مقاله در باره بیدل، کابل
، انتشارات برادر
- 6- مجله خراسان، سال ششم، شماره
پنجم، قوس 1365